

خبر
لغومنع تردد شبانه به محض ابلاغ به پلیس
● شرق: سرانجام پس از کش وقوس‌های فراوان، رئیس‌جمهور در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا تأکید کرد که «با توجه به واکسناسیون عمومی، ممنوعیت تردد شبانه در شهرها لغو شود». در پی این تأکید و دستور رئیس‌جمهور، زمان و نحوه لغو این طرح که از سال گذشته و در پی تشدید شیوع کرونا در سراسر کشور اجرا شد، موضوعی بود که خبرنگار ایسنا از پلیس راهور جویا شد. در همین راستا نیز سردار سیدتیمور حسینی، جانشین رئیس پلیس راهور ناجا، در گفت‌وگو با ایسنا، درباره اجرای طرح منع تردد شبانه گفت: اجرای طرح منع تردد شبانه به محض ابلاغ به پلیس لغو خواهد شد.

ادامه از صفحه اول

اردوغان، باغچه‌لی و بازی مخاطره‌آمیز نقشه!

تمرکز دستگاه سیاست خارجی بر مدیریت تنش‌ها و مسائل بد دولت آمریکا موجب شده تا در دهه گذشته بیش از هر زمان دیگری توجه به تحولات منطقه‌ای گمرنگ نشود. کوبی تمام انرژی و توان وزارت خارجه متوجه چالش سیاست خارجی کشور یعنی مدیریت مسائل با آمریکا و تحریم‌ها و اثرات آن است؛ بدون آنکه در آن حوزه شاهد ابتکار عمل و راهبرد تازه‌ای باشیم. این در حالی است که برخلاف بی‌انگیزگی دستگاه سیاست خارجی و فقدان عزم جدی برای واکنش در برابر چنین اقدامات گستاخانه‌ترکیه، افکار عمومی و شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های کشور واکنش گسترده‌ای به این اقدام ضداپرانی دولتمردان ترکیه در پیش گرفته‌اند. استمرار این‌گونه اقدامات و برخی اتفاقات مشابه ازجمله تولیدات ضداپرانی در رسانه‌های ترکیه بیش از هر زمان دیگری نیازمند توجه بیشتر و واکنش جدی وزارت خارجه است. بی‌تفاوتی در قبال این وضعیت نافی امنیت و وحدت ملی و مشروع دولتمردان ترکیه برای ادین چمن رویکردی راهی است. سال‌های گذشته دولت ترکیه با درخواست ثبت اسناد رسمی از دواطلبان ایرانی برای ادامه‌تحصیل در ترکیه به‌عنوان «ترک» عملاً رویکردی مشکوک در قبال ایران در پیش گرفته بود. همچنین حضور ارتش این کشور همراه با ارتش دولت یادکوبه در دریای مازندران با هدف برگزاری رزمایش نیز حاوی پیام هشدار به ایران بود. پیشنهاد می‌شود مسئولان مربوطه در دستگاه سیاست خارجی با رایزنی و فعالیت دیپلماتیک با کشورهای مانند روسیه، عراق، سوریه، یونان، قبرس، چین و دیگر کشورهای که در نقشه مورد نظر و در ایدئولوژی پان‌ترکیسمی مورد توجه جریان‌های افراطی در ترکیه هستند، نسبت به این طرح و اقدام مخرب اخیر ترکیه اعتراض مشترک دیپلماتیک انجام شود.

۲- اگر قرار بر طرح دعاوی تاریخی باشد، بر عالم و آدم روشن است که سده‌های متوالی پیش از حضور سلاجقه در ترکیه و نیز پیس از حضور سلاجقه در ترکیه، جهان ایرانی تا مرزهای بیزانس و رم شرقی چه نفوذی داشت. بقایای بی‌شمار ابنیه، کاخ‌ها، قلعه‌ها و دیگر مستندات، کتیبه‌ها، اشیای باستان‌شناسی و تاریخی و نیز هزاران سند فارسی در مراکز سندی ترکیه امروز خزان گویاست که نیازی به ارائه ادله بیشتر نیست. تا جایی که اگر قرار بر برگزاری آرمونی میان صد محقق اهل ترکیه و ایران با موضوع درک اسناد تاریخی در ترکیه در هزاره گذشته باشد، ی‌کمان نمره محققان ایرانی چندبرابر محققان آن کشور در بازخوانی و درک معنای اسناد تاریخی در ترکیه خواهد بود؛ همچنین حضور مرمانی با زبان‌های ایرانی یا تحت تأثیر این‌ها ایرانی در آتاتولی نیز مزید بر علت است که نشان داده شود در دنیای جدید ورود مؤلفه‌های قومی و زبانی در توسعه‌طلبی‌های سیاسی می‌تواند یادآور چه مخاطراتی باشد. بی‌گمان دستگاه‌های عریض‌وطول و سیاسی و مطالباتی در ترکیه در محاسبات خود متوجه هستند ورود در معادلات زبانی، قومی و مذهبی در سیاست خارجی می‌تواند به فعال‌شدن شکاف‌هایی همچون موضوعات کردی و علوی‌های ترکیه منجر شود که روی هم شمار جمعیتی آنها میلیون‌ها نفر است؛ آن‌هم ترکیه‌ای که در درون و در بیرون کشور در اقلیم کردستان عراق و قندیل و نیز در سوریه سخت گرفتار چالش در حوزه کردی است. آیا در چنین شرایطی دولتمردان ترکیه، مقامات ایرانی را به سیاست مقابله‌به‌مثل و تولید نقشه‌هایی از جهان ایرانی تشویق می‌کند؟ استمرار چنین اقدامات و پای‌فشاردن بر روش‌های افراطی قومی و زبانی یادآور این مثل نیز از مولانای رومی است که از افضا سرکنگبین صفرافزود:

۳- در سال ۱۳۱۶ بنیان مستحکمی از توسعه روابط ایران و ترکیه بر اساس حسن هم‌جواری نهاده شد. پیمان سعدآباد در هشت دهه نمادی عقلایی بر همزیستی روابط دو کشور بر مبنای احترام متقابل و برهیز از دخالت‌های ناچیز بر پایه‌های قومی و زبانی و مانند آن را بنیان گذاشت. آیا وقت آن نرسیده که با درس‌گرفتن از فرازوفرودهای گذشته در روابط دو کشور و تجارت تلخ و شیرین گذشته راه برای توسعه مناسبات دو کشور بر مبنای حسن هم‌جواری از نو بازسازی شود؟

جامعه

آموزش آنلاین، فقر آموزشی در ایران را تشدید کرد



پرورش اختصاص پیدا می‌کند، همه مسائل را تحت‌الشعاع خودش قرار داده است؛ یعنی راهکارهایی که شما به‌درستی اشاره فرمودید، همه‌شان در گرو منابعی است که امروز متأسفانه در اختیار نظام آموزشی کشور قرار نمی‌گیرد و این همان بحث مزمن و قدیمی ماست که به آموزش و پرورش داریم. تا زمانی که این منابع به میزان کافی و برابر برنامه اختصاص پیدا نکنند، حتما و حتما پسرقت خواهیم داشت و باید راهکارهایی را که به برخی اشاره فرمودید، بشنویم و انگشت افسوس به دهان بگیریم که نمی‌توانیم آنها را به اجرا درآوریم. در آخر من به‌شدت موافق حضور دانش‌آموزان در مدرسه هستم؛ منتها متناسب با شرایطی که به‌تدریج فراهم می‌کنیم. یعنی نمی‌توانیم سیلانهای دانش‌آموزان را که بالاترین و پراهمیت‌ترین مسئله ماست، فدای اهداف مهم تربیتی مثل مثال‌هایی که عرض کردم و دوستان هم گفتند، بکنیم؛ بنابراین می‌توان مدارس را به‌تدریج با طبقه‌بندی‌کردن و گروه‌بندی‌کردن دانش‌آموزان برگزار کرد که حداقل تماس را در مدرسه با گروه‌های پرجمعیت داشته باشند و ریسک را تا حد امکان کاهش دهیم تا دانش‌آموزان ضمن اینکه از فرصت‌های آموزش حضوری برخوردار می‌شوند، خطرات جسمانی هم تهدیدشان نکنند.

کرونادولت‌ها را از سوزی آموزش به عقب‌راند

در ادامه این جلسه، اسدالله مرادی، کارشناس آموزش و پرورش، با اشاره به اینکه آموزش و پرورش اعلام کرد از اول آذر بچه‌های پایه ابتدایی و متوسطه اول باید به مدرسه بروند، گفت: «به نظر می‌رسد کرونا با لااقل تصویری که من از آن دارم، این است که حادثه‌ای بدون اینکه خبر کند آمده است. تصویری در ذهن من نشسته که در یک خیابان ترافیک وجود دارد و اطرافش هم باتلاق است، بولدووزی به نام کرونا می‌آید و همه ما را در این باتلاق هل داده و با ما فاصله می‌گیرد و امروز همه منسابات ما را تحت تأثیر قرار داده است. کرونا در همه حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و حتی بحث دینی و الهیات تأثیر گذاشته است. فکر نمی‌کنم از رنسانس به این سو پدیده دامن‌گستر جهان شمولی مثل کرونا داشته باشیم. در ادیان ابراهیمی برهان شرع مطرح است که خیلی چالش‌برانگیز بود؛ مثلا همه‌زمان همه نهادهای سنت و مدرنیته را به چالش گرفت. هم در مسجد و محراب و کلیسا و امامزاده‌ها را بست و هم در مدرسه و دانشگاه و سینماها را. از این جهت به نظر می‌رسد کرونا با وجود خسارت‌های بسیار زیادی که ایجاد کرده، شاید هنوز در قلب آن زندگی می‌کنیم و زندگی ما را در آینده خیلی دگرگون کند؛ به‌ویژه در حوزه آموزشی به نظر باید جهش‌های زیادی می‌شود و واقعا برای کسانی که بازمانده از تحصیل بودند، یک تهدید در حوزه آموزش بود». مرادی گفت: «کرونا در ایران واقعا برای کسانی که بازمانده از تحصیل بودند، تهدید بود؛ اما این پداندی یک فرصت هم داشت که آموزش و پرورش ما با تمرکز از مرکز اداره می‌شود و این هم مسئله امروز ما نیست. از دارالفنون ۱۷۰ سال قبل حکومت‌های ما این نهاد مدرسه و دانشگاه را از یک سو کنترل کردند و از سوی دیگر آن را توسعه و گسترش دادند. در جمهوری اسلامی به دایل ایدئولوژی این کنترل شدت پیدا کرد؛ به‌نظم کرونا باعث شد حکومت و دولتمردان ما چند قدم عقب‌تر بایستند و مدارس، معلمان و خانواده‌های ما چند قدم جلو بایند که من این را از این جهت بسیار فرصت مناسبی برای حوزه تعلیم و تربیت ایران نسبت به تمرکز اقتدارگرانه که همواره حکومت‌ها می‌برای این نهاد داشته، می‌دانم. در دانشگاه هم بنده فرصت‌هایی می‌بینم. فرهنگ ما شفاف است. تجربه من می‌گوید کرونا باعث شده بچه‌ها ما بیشتر سراغ کتابت بروند. این را بنده به‌عنوان یک فرصت تلقی می‌کنم؛ ولی در مدارس‌مان به‌ویژه در دوره ابتدایی می‌شد جور دیگری رفتار و مدیریت کرد که این همه آسیب نداشته باشد». او در ادامه تصریح کرد: «اگر هدف از آموزش و پرورش این است که چیزهایی به بچه‌ها آموزش دهیم که آنها نرم‌نرمک به‌جانشان بنشینند و با جانشان یگانه شود. آموزش و پرورش ما به توجیه شده یا نه در بررسی‌ها و تحلیل‌هایی که در آموزش و پرورش و کرونا هست، ندیده‌ام که آیا قبلا این آموزش‌ها به جان تبدیلی می‌شده؟ چون به‌نظم با رسانه‌های مجازی نمی‌شود و باید فضا چهره به چهره شود و جنبه وجودی داشته باشد که به جان تبدیل شود. اینجا نیاز به بازاندیشی داریم و اگر به این بازاندیشی نرسیم، برای من خیلی فرقی نمی‌کند که مدارس باز شود یا نه. البته در دوره ابتدایی به‌نظم ضرورت دارد؛ چون واقعا بچه‌ها در فضای مجازی نمی‌توانند؛ اما وقتی به دوره دبیرستان و دانشگاه می‌آیند، اگر قرار است آموزشنی منتقل شود، شاید فضای مجازی نتواند و بچه‌ها راهش را پیدا کنند؛ چون مدرسه‌های ما بسیار برآسپب است و ما در این تحلیل به آسیب‌ها کمتر اشاره کرده‌ایم».

کرونا، فقر و ازدواج کودکان

در ادامه این نشست احمد میدری گفت: «اجازه دهید درباره کتابی که آقای نیک‌نژاد و مریم پهلوی ترجمه کردند، در چند جمله صحبت کنم. پیام کتاب این است که در آمریکا آن‌قدر مدارس دولتی را کوبیدیم؛ آن‌قدر نقدش کردیم که به خیال اینکه می‌توانیم به وضعیت بهتری دست پیدا کنیم، تمام دستاوردهای خودمان را از دست دادیم. این تفکر انتقادی لازم است؛ ولی این را می‌زنیم، به چه چیزی پناه می‌بریم. نظام آموزشی ایران پر از مشکل است؛ کمبود بودجه، معلم، دانش‌آموز، ورزش از بین رفته، آزمایشگاه وجود ندارد و سیستم ارتباطی‌اش مشکل دارد. همه اینها درست است؛ ولی این نهاد آن‌قدر مقدس است که اگر از بین رفت، شما دیگر نمی‌توانید نت‌ها ته‌ها تمدنی داشته باشید، بلکه وضعیت نامطلوب‌گرونی را هم نمی‌توانید حفظ کنید. اصلا در مورد این صحبت نکنیم که مدرسه برویم یا نرویم. در کشورهای دیگر بازارشان را تعطیل کردند، ولی مدرسه را تعطیل نکردند. لازم نیست ۳۶ دانش‌آموز با هم به مدرسه بروند. هر روز سه نفر ساعتی سه نفر بروند. اصلا در مورد این فکر نکنید که برای این باید شروطی تعیین شود، بعد از آن شروط در مورد دانش‌آموزان آموزش حضوری صحبت کنیم. می‌خواهم بگویم عمق فاجعه خیلی گسترده‌تر است. شما در طبقات پولدار دیگر نمی‌توانید ساعت خواب را برای بچه‌ها تنظیم کنید. مدرسه یک

نظم رفتاری به ما می‌داد. بچه یک ساعتی باید می‌خوانید که هفت صبح برای رفتن به مدرسه آماده می‌شد. در خانواده‌های پولدار این اتفاق از بین رفته. جاقی گفتند چه شده. ابعاد تقلب‌کردن با آموزش غیرحضوری، رفتار دائمی در دانش‌آموزان ایجاد خواهد کرد. قبح تقلب هر چقدر اندک بود، آن هم از بین رفت. در خرمشهر کاری برای دانش‌آموزان انجام می‌دادیم که آموزش غیرحضوری چه مسائلی را به وجود آورده؛ چون تهران نشین هستیم، واقعا نمی‌دانیم در شهرستان‌ها چه می‌گذرد. دانش‌آموزان دوزبانه امکان یادگیری زبان فارسی را از دست خواهند داد. از ۳۰ هزار دانش‌آموز ابتدایی خرمشهر، شش هزار دانش‌آموز اصلا برای سال تحصیلی ۱۴۰۰ کتاب نگرفته‌اند. ازدواج در سنین متوسطه اول به‌شدت افزایش پیدا کرده است. نمی‌دانید چقدر از دانش‌آموزها را آنجا به پروژه‌هایی که با یونیسف داشتیم، می‌خواستیم به کلاس برکرد و می‌گفتیم می‌توانیم مثلا به ازای هر ماه ۵۰۰ هزار تومان کمک کنیم. خانواده‌های فقیر بودند که بچه‌هایشان را آورندند؛ ولی برخی خانواده‌ها گفتند بچه‌های ما هندوانه می‌فروشدند و دیگر به مدرسه بر نمی‌کردند. چرا بودجه آموزش و پرورش در ایران کم شد؟ تا سال ۲۰۰۹، درصد بودجه دولت به آموزش و پرورش داده می‌شد. در یک روند کاهش پیدا کرد و از سال ۸۵ به بعد به ۱۰ درصد کاهش پیدا کرده؛ چرا؟ چون پولدارها مدرسه‌شان را تحت عنوان غیرانتفاعی جدا کردند. هر کسی آمد مدرسه طبقاتی در ایران ایجاد کرد، ما باید بایستیم و بگوییم آموزش و پرورش همگانی باید به وجود بیاید و بگوییم که چون آموزش و پرورش بودجه ندارد، هر وقت الکل و ماسک دادند بچه‌ها بروند. بگوییم در همین امکانات می‌رویم و بعد به دولت ایران فشار می‌آوریم که رفتارش را عوض کند؛ ولی دولت و آموزش و پرورش می‌گویند ما پول و هزینه اجاره نداریم. خوابگاه‌های دانشگاه‌ها را تعطیل کردند. در این صورت که برای این کشور چیزی نمی‌ماند. همان اشتباهی که در آمریکا رخ داد که علیه آموزش دولتی انتقاد کردند و بعد آموزش غیردولتی ایجاد کردند که فاصله آمریکا با کشورهای دیگر بیشتر شد، ما هم اینجا هستیم با آموزش و پرورش ایران که پر از نقد و اشتباه است. شما هرچه بگوییم من پنج انتقاد اضافه می‌کنم؛ ولی مگر می‌شود یک کشور بدون آموزش و پرورش باشد. تمام دستاوردهایی که داشتیم، برای بهبود وضعیت زندگی‌مان از دل مدرسه بیرون آمده. حالا ما می‌گوییم چون ماسک نمی‌دهند فلاس کلاس‌ها تعطیل بمانند». او با اشاره به اینکه باید بگوییم من معلم سر کلاس می‌روم و چهار دانش‌آموز را هر روز به مدرسه می‌کنام‌گفت: «در حوزه آموزش و پرورش و معلم‌ها می‌توانند تجمع کنند و بگویند ما برای شست‌وشو الکل نیاز داریم. اینجا همان بحث ائتلاف نامبارکی است که در جامعه وجود دارد ولی منطقی نیست؛ اما این ائتلاف نادرست است که برای تعطیلی مدارس و تداومش تلاش کنیم که من می‌گویم بازگشت بدون هیچ شرطی. دولت باید رفتارش را درست کند. همان‌طور که خانواده‌ها دست بچه‌هایشان را می‌گیرند و پاساژ می‌برند، باید همان‌طور به مدرسه برگردند. فرزند من هم در دبیرستان درس می‌خواند و می‌گوید بهتر است که آموزش غیرحضوری داشته باشم؛ ولی این واقعا تداومی فاجعه‌آمیز است. از بچه پولدار در ایران گرفته تا فقیرترین گروه‌هایی که بیشترین آسیب را دیده‌اند و واقعا برای جبرانش باید فکری اساسی کرد».

آموزش و پرورش اولویت جامعه‌ما نیست

در ادامه این جلسه، محمدرضا نیک‌نژاد گفت: «همان‌طور که دوستان هم گفتند ما به فضایی پرت شدید که پشتیبانی نمی‌شدیم. معلمان بدون آموزش وارد شدند و در فرایند آزمون و خطا چیزهایی یاد گرفتند و الان عموما کلان‌فروشان را در آموزش‌های مجازی از آب بیرون می‌کشوند. حدود ۶۰ درصد معلمان کشور خاتم هستند. خاتم‌ها عموما در حالت کلی طبق آمارهای جهانی متعهدتر به کارشان هستند. در هر جایی که قرار بگیرند، به دایل مختلف که هلن فیشر آنها را واکاوی کرده، متعهدتر کار می‌کنند. دغدغه آموزش در بین خانم‌ها و بسیاری از آقایان معلم زیاد است و به نظر می‌آید که هم صدایی برای تعطیل‌نمندن مدارس وجود دارد. از اکثریت معلمان پرسیدم، ما باور داریم که این هستند که مدرسه باز شود؛ اما یک نکته در اینجا عرض می‌کنم. من کارهای آقای میدری را پیگیری می‌کنم. کارهای ایشان قابل تحسین است. با کارهای ارزشمندی که در وزارت رفاه انجام دادند با یادون واسطه ایشان را یکی از طرفداران قوی و بسیار استوار در زمینه عدالت آموزشی و عدالت اجتماعی می‌دانم. من تأکید کرده‌ام که موافق بازگشایی مدارس هستم و شبهاتی که ایجاد کردم به این دلیل نیست که مدارس بسته بمانند. من باور دارم که باید به دولت فشار آورد. وقتی به آموزش و پرورش و معلمان و بچه‌های مردم می‌رسد بودجه ندارند. طبق آماری که به تأکید می‌گویم، طبق آمار ناشفافی که من به‌عنوان یک معلم دسترسی ندارم، گفته می‌شود ۳۰ تا ۵۰ درصد دانش‌آموزان در دوران کرونا از آموزش بازمانده‌اند؛ چه آنهایی که وسیله ارتباطی مثل موبایل و تبلت نداشته یا نداشتند و چه افت تحصیلی بوده. ۳۰ تا ۵۰ درصد با آمار سال گذشته می‌شود چهارمیلیون و ۸۰۰ هزار تا هشت میلیون دانش‌آموز که این فاجعه است. من نمی‌گویم مدرسه به این بهانه‌ها تعطیل باشد. من می‌خواهم که آقای میدری شما با توجه به جایگاهتان با این حرفی که می‌زنید و کارتان قابل تحسین است، بگویم آقای طحطاخی از وزیر آموزش و پرورش حمایت نکند که ما دیگر می‌دانیم چه‌کاره است و چه جنسی وارد آموزش و پرورش می‌شود. یوز پشین از همین کسی که معرفی‌اش کردند، از آموزش و پرورش پنهانی صحبت می‌کند که کوپنی است و فکری است؛ خصوصی‌سازی، نباید یی‌گدار به آب بریزیم. درست است که ارتباط دولتی و تجربه‌هایی وجود دارد، می‌خواهم بگویم یک سری افسانه‌ها وجود دارد که اینها جلوی ما را می‌گیرند. ما الان برای بچه‌هایی دل می‌سوزانیم که واقعا محروم هستند و باید به آنها رسیدگی شود. همچنان که از آنها دفاع می‌کنیم، باید از این طرف هم دفاع کنیم. می‌خواهم اشاره کنم؛ ولی معلم بیمار شده، پدر و مادر و دانش‌آموز بیمار شده. حدود صد میلیون تومان زیر قرض رفته. دلار با زنده مانده یا فوت کرده، اگر فوت کرده باشد ۲۰۰ میلیون تومان قرض و گرفتاری برای خانواده‌اش گذاشته و رفته است. من می‌گویم مدارس باز شود. آموزش و پرورش نه‌فقط مورد توجه مسئولان نیست، بلکه مورد توجه جامعه و نخبگان و دانشگاهیان هم نیست. آموزش و پرورش در اولویت جامعه‌ما نیست. به‌عنوان جمله آخر به‌نظم تمرکززدایی که دکتر مرادی به درستی فرمودند، در فضای مجازی انجام می‌شود؛ اما دولت نمی‌خواهد مسئولیتش را بر عاhti بپذیرد، به همین دلیل الزام به استفاده از شبکه شاد می‌کند. یک طنز تلخ هم در این میان است. الان وزرا و آموزش و پرورش می‌گویند می‌خواهیم آموزش را ترکیبی کنیم؛ یعنی تعدادی دانش‌آموز به کلاس می‌آیند، تعدادی در خانه می‌نشینند و از طریق فضای مجازی از طریق شاد در ارتباط و تماس با معلم قرار می‌گیرند. خیلی طنز جالبی است که امسال برای شاد تلاش کردند و توانستند برایش اتاق صوتی درست کنند؛ آنچه گویگلمی ۱۰ سال قبل درست کرده. من هم مثل بقیه دوستان معتقدم که مدارس ابزارهای پیشرفته‌تر ه جامعه هستند. از دل مدارس می‌تواند دموکراسی، حقوق بشر، اخلاق و شهروندی خارج شود؛ اما این لوازمی هم دارد. اینکه توپ را نیندازیم در زمین والدین و خانواده‌ها، یک طرف این قضیه که مسئول واقعی قضیه است که بعد از ۴۰ سال توانسته‌ست هیچ کس به سر آموزش و پرورش نرشد، دولت است، مدارس باز باز شود؛ اما این نقد نباید به سمت دولت‌ها باشد».

دريچه
هشدار هواشناسی درباره تداوم آلودگی هوای ۶ کلان‌شهر شرق: سازمان هواشناسی درباره تداوم آلودگی هوای شش کلان‌شهر هشدار داد و برهیز از تردد‌های غیرضروری را توصیه کرد؛ همچنین براساس هشدار دوم هواشناسی افزایش ارتفاع موج در سواحل جنوبی کشور قابل انتظار است. با اعلام هشدار زرد رنگ سازمان هواشناسی کشور، ادامه یابردی در هوا در روزهای شنبه (۲۹ آبان‌ماه) تا دوشنبه (اول آذرماه) پیش‌بینی می‌شود. بر اثر این پدیده مخاطراتی مانند افزایش غلظت آلاینده‌ها و کاهش کیفیت هوا به‌ویژه در ساعات صبحگاهی قابل انتظار است. یکشنبه (۳۰ آبان‌ماه) تهران، کرج، تبریز و مشهد این شرایط را تجربه خواهند کرد. دوشنبه (اول آذرماه) نیز این شرایط برای شهرهای تبریز و مشهد قابل انتظار است. حاکمیت این شرایط جوی می‌تواند باعث افزایش شاخص کیفیت هوا در حد ناسالم برای گروه‌های حساس و احتمال رشد آن تا ناسالم برای تمام گروه‌ها در مناطق صنعتی و پرتردد در صورت کنترل‌نشدن منابع آلاینده ثابت و متحرک شود. براساس توصیه سازمان هواشناسی برهیز از تردد‌های غیرضروری به‌ویژه سالمندان، کودکان و افراد با سابقه بیماری، تا حد امکان عدم فعالیت فیزیکی و ورزشی در فضای باز، مدیریت سوخت و زمان فعالیت واحدهای صنعتی در سطح و حومه کلان‌شهرها در دستور کار قرار گیرد.همچنین در حومه سازمان هواشناسی با اعلام هشدار زرد رنگ دیگری از افزایش ارتفاع موج در بعدازظهر روز گذشته تا اوایل وقت یکشنبه (۳۰ آبان‌ماه) خبر داد. مخاطراتی نظیر افزایش ارتفاع موج به ۱ تا ۱.۵ متر در نواحی ساحلی و در فراقساحل تا دو متر قابل انتظار است. نواحی غربی و مرکزی خلیج فارس، مناطق ساحلی و دور از ساحل خوزستان و بوشهر تحت تأثیر این پدیده هستند.

بار دیگر، روایت همرکشی

● ۱۵ آبان امسال اتفاق بسیار تلخی در قادرآباد از توابع استان فارس رخ داد و در پی این اتفاق دو فرزند و مادر بر اثر خشونت و عدم تعادل روحی همسر (بدر خانواده) دچار آتش‌سوزی شدیدی شدند که متأسفانه تا به امروز یک نفر از فرزندان و مادرشان به دلیل سوختگی شدید جان خود را از دست داده‌اند. سیمه ادانا یکی از خواهران فاطمه (مادر دو فرزند) درباره این حادثه و جزئیات آن می‌گوید:
خواهرم فاطمه ۲۹ساله دارای دو فرزند (یکتا ۹ساله و هلمما دوساله) بود که با همسرش در قادرآباد مرودشت از توابع استان فارس زندگی می‌کردند.متأسفانه همسر خواهرم از همان ابتدای زندگی با خواهرم بداخلاقی می‌کرد و بارها آنها را مورد ضرب‌وشتمن و فحاشی قرار می‌داد به طوری که بارها خواهرم به این مسئله اعتراض داشت اما همسرش به‌هیچ‌وجه اخلاق خود را تغییر نمی‌داد. کار همسر خواهرم در ابتدا آرماتوربندی ساختمان بود و درآمد خوبی هم از این کار کسب می‌کرد، اما هیچ‌وقت درآمد خود را صرف زندگی خواهرم و بچه‌هایش نمی‌کرد و همیشه آنها در فقر و تنگدستی بود.
۱۵ آبان‌گفته روز بسیار سختی برای ما بود به طوی که همسر خواهرم در اقدامی عجیب و ناباورانه با سه بطری بنزین وارد خانه می‌شود و در یک فاصله کوتاه سه بطری بنزین را روی خواهر و بچه‌های او می‌ریزد و در ادامه نیز کبریت را کشیده و ... سیمه در حالی که گریه‌اشند را می‌نماید، حرف خود را از گونه‌ها دامه‌داد که بعد از این حادثه هر سه نفر را به بیمارستان امیرالمؤمنین منتقل کردیم. اما خواهرم به دلیل ۷۵ درصد سوختگی و یکتا نیز به دلیل ۷۵ درصد سوختگی در یک فاصله کوتاه جان خود را از دست دادند و هلمما نیز با شرایط نامناسب در بیمارستان‌های تخصصی نرس که زنده ماندن ندارد ... در رابطه با شوهر خواهرم که باید او را وحشی دانست نیز باید بگویم در حال حاضر بازداشت شده و در زندان است. انتظاری که ما از قوه قضائیه داریم رسیدگی به جانیات و اشد مجازات برای این فرد است که امیدواریم این اتفاق هرچه زودتر بیفتد. همچنین شرایط رفیعی، مددکار مؤسسه خیریه مهرآفرین شهر اسلام در ارتباط با حادثه رخ‌داده در قادرآباد مرودشت می‌گوید:
روز ۱۶ آبان یک روز پس از حادثه اشاره‌شده از طریق گزارش مردمی از این اتفاق مطلع شدیم و پس از آن سریعاً به بیمارستان امیرالمؤمنین شهرک صدرا رفیقیم و متأسفانه مادر و دو فرزندش هلمما دوساله و یکتا ۹ساله‌رو شرایط خوبی نداشتند. در همان ساعات اولیه که مادر که به سختی صحبت می‌کرد می‌م‌کلام شدیم به طوری که مادر به دلیل میزان سوختگی اصلا شرایط خوبی نداشت و تا زیر گردنش سوخته بود و تنها قسمت صورت مادر سالم بود. مادر در آی‌سی‌یو یک و دو درفرندش در بخش آی‌سی‌یو دو تحت مراقبت بودند اما هر سه وضعیت نامناسبی داشتند.مادر این دو کودک در همان لحظات با سختی به من گفت من شوهرم من و بچه‌هایم را با بنزین سوزاند و وقتی علت را جویا شدم گفت به دلیل نزاع و درگیری‌های خانوادگی این کار را کرده بود. پس از آن روز مرتب بازپرسی‌هایی را داشتم ولی در تاریخ ۲۲ آبان مادر به دلیل میزان سوختگی جان خود را از دست داد و شب گذشته نیز دخترش یکتا ۹ساله به دلیل همین سوختگی شدید (سوختگی شدید) جان خود را از دست داد.
هم‌اکنون نیز هلمما دوساله در بیمارستان در بخش آی‌سی‌یو بستری است و تحت عمل جراحی نیز قرار گرفته و همچنان منتظر وضعیت این دختر هستیم اما با اعلام پزشکان در صورتی که پیوند پوست با جواب ندهد احتمال قطع پا وجود دارد.